



## علامه جعفری عمرش را بر سر تفکر و تتبع گذارد/ علامه جعفری همه علوم را داشت

سید عبدالله فاطمی نیا در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت علامه محمد تقی جعفری گفت: از نظر تألیفات و تفکر و تتبع واقعا کارها و آثار ایشان درسی برای جامعه است ...

سید عبدالله فاطمی نیا در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت علامه محمد تقی جعفری گفت: از نظر تألیفات و تفکر و تتبع واقعا کارها و آثار ایشان درسی برای جامعه است که یک نفر همه عمر خودش را صرف تفکر و تأمل و تتبع کند به دریاها برود و از هر دریایی دری بیرون بیاورد. به گزارش خبرنگار مهر، به همت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، شهر کتاب و مؤسسه علامه جعفری و مجموعه فرهنگی شهدای سرچشمه پانزدهمین سالگرد رحلت علامه محمد تقی جعفری با سخنرانی سید عبدالله فاطمی نیا عصر دیروز جمعه اول آذرماه در سالن کنفرانس مجموعه فرهنگی شهدای سرچشمه برگزار شد.

فاطمی نیا در ابتدا گفت: حدیثی داریم که علم بر دو نوع است. یکی علمی که بر زبان جاری است آدم از زمین و آسمان حرف می زند ولی از عمل خبری نیست آن علم حجت خدا بر بنی آدم است خداوند می گوید عجب تو آن را می دانستی ولی به آن عمل نکردی. علم دوم علمی است که در قلب و باطن انسان است. این علم سودمند است. علامه جعفری که بنده در مرز عشق به ایشان ارادت دارم آن علم باطن و نافع را داشتند.

وی افزود: از نظر تألیفات و تفکر و تتبع واقعا کارها و آثار ایشان درسی برای جامعه است که یک نفر همه عمر خودش را صرف تفکر و تأمل و تتبع کند به دریاها برود و از هر دریایی دری بیرون بیاورد. ایشان نهج البلاغه را شرح کرده بود که شرح نهج البلاغه به گفته مرحوم علامه طباطبایی همزمان چندین علم می خواهد که باید دارا باشی. اول یک علم عربی خیلی قوی می خواهد. بعد فلسفه، بعد عرفان، بعد کلام و بعد چیزهای دیگری می خواهد. علامه همه این شرایط و علوم را دارا بود. شرح نهج البلاغه شوخی نیست.

این محقق و پژوهشگر حوزه عرفان اسلامی ادامه داد: 15، 16 سالم بود که پدرم نهج البلاغه محمد عبده را خرید بزرگتر که شدم بارها آن را خواندم و خواندم تا این سن، خدای من می داند سیر نشدم. یک شیخ سنی مفتی اعظم دیار مصر می گوید که من نهج البلاغه را ندیده بودم یک روزی چندین مصیبت بر من روی داده بود در جایی نشسته بودم در کنارم قفسه کتاب بود. بی اختیار دستم دراز شد و کتابی را برداشتم دیدم نهج البلاغه است. تصادفی این کتاب را دیدم بعد می گوید صفحه هایش را عبوری کردم و بر روی بعضی از عبارت‌هایش تفکر کردم آنقدر ناراحت بودم و درد و بلا داشتم که همه کارهایم را تعطیل کرده بودم ولی خواندن این کتاب غم های مرا از بین برد. خلاصه دیدم بدنم جای دیگر است و روحم جای دیگری است. این جور مسلم شد بر من که در اینجا نیزه و شمشیری نمی بینم دیدم صحبت بر سر فصاحت و بلاغت است که این هم دولتی دارد آدمم ببینم رئیس این دولت کیست دیدم پرچمدار این دولت بلاغت آقا امیر المومنین است.

فاطمی نیا افزود: بعد می گوید که کلام توحید این است که انسان نفی صفت از خدا کند. این مسئله با فلسفه و کلام درست نمی شود. علامه جعفری همه علوم را داشت که نهج البلاغه را شرح کرده بود اما الان با خبر می شویم که فلان کس شرح نهج البلاغه دارد و بضاعتش هم در سطح جامع المقدمات است والسلام. وقتی علامه جعفری ها کم باشند حوزه ها خالی باشند آنوقت افرادی بی بضاعت می شوند عالم العلما .

وی تصریح کرد: اسم یکی از کتاب های ایشان نقد و تحلیل مثنوی بود. یعنی اینکه من در مولوی غرق نشدم مولوی مرد و متفکر بزرگی بود حرفی نیست ولی بالاخره کار، کار تخصصی است فقط غرق شدن در 14 معصوم و در انبیا مجاز است هرچه در آنها غرق بشوی جای دارد در غیر معصوم غرق شدن صلاح نیست.

فاطمی نیا عنوان کرد: علامه جعفری می خواسته مثنوی را برای دانشگاهیان و حوزویان و بعد مردم با فضیلت بنویسد و بعد خواسته بود مثنوی را به جامعه بیاورد ولی همه مثنوی به جامعه آوردنی نیست. من یکی از ابیات خیلی معروف مثنوی را دیدم که ایشان شرح نکرده اند و آن بیت این بود چون تجلی کرد اوصاف قدیم/ پس بسوزد وصف حادث را گلیم . در کتاب فتوحات مکیه در آنجا از بایزید بسطامی نقل می کنند بایزید گفت محدث به قدیم نزدیک بشود می سوزد. این بیت و بعضی از ابیات مثنوی را نمی شود به میان جامعه آورد. مثلاً این بیت را همچنین: زان که عاشق دم به دم نقد است، مست/ لاجرم از کفر و ایمان برتر است. این بیت چقدر پیچیده است.

این محقق و پژوهشگر عرفان اسلامی بیان داشت: بنابراین علامه جعفری عمری تفکر و تأمل کرده اند . امیر مومنان یک جمله

ای دارد که می فرماید عالم، جاهل را می شناسد زیرا یک مدت خودش جاهل بوده است ولی جاهل عالم را نمی شناسد زیرا جاهل سابقه علم نداشته است. حالا امروز یک عده دار و دسته راه انداخته اند و با هر کسی که یک خط عرفان و فلسفه بلد است او را به بدی یاد می کنند و یا حتی او را لعنت می کنند. خدایشان هدایتشان کناد. امام (ره) جمله ای دارند که می فرمایند نمی گوییم همه را قبول کنید بلکه همه را رد نکنید. و اینها همه را یکجا رد می کنند. من با یاد علامه قاضی و علامه طباطبایی و برادرش علامه الهی و آیت الله بهجت زنده هستم از اینها چیزی نگویم می میرم چطور از من می خواهند ازمرحوم علامه قاضی چیزی نگویم.

وی افزود: کتاب عرفان علامه جعفری کتاب عمیقی است حداقل بعضی از جاهایش را دوبار باید خواند زیرا مبحث، مبحث بغرنجی است در اینجا حرف زیاد است. ممکن است اجزای بحثش در این کتاب یکسری اجزای قدیمی باشد ولی در کل کار نویی است. این کتاب گزارش، عمل و قدم تازه ای است که قسمی از عرفان را به جامعه می آورد آن هم عرفان عملی را. عرفان نظری را نمی شود به جامعه آورد. بخشی از عرفان عملی، سلوک و رفتار است و این کتاب عمدتاً همین بحث ها است. البته ایشان خواسته قسم دیگر را بگوید. در بعضی جاها مبارزه هایی هم کرده اند. مثلاً به قضیه شطحیات که می رسند خیلی زود از آن رد می شوند. اینکه یک قدری بگوید و از آن گذر کند.

فاطمی نیا در پایان گفت: غزالی در مقصد اقصی و ملاصدرا در کسر اصنام جاهلیه هردو می نویسند که اناالحق گفتن منصور حلاج و سبحانی گفتن بایزید هیچ وقت ثابت نشده است، حالا ما چرا اینقدر مانور روی این مباحث می دهیم.